**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

فقه ج 51 23/9/1400- فصل فی نواقض الوضو جلسه3

*موضوع:* كتاب الطهارة/الوضوء /نواقض

قول دوم : مرحوم شیخ طوسی فرمودند که اگر از بالای معده خارج شود ناقض وضو نیست اما اگر از پایین معده خارج شود ناقض وضو هست ، پس ملاک عنوان غائط است و بالای معده صدق این عنوان را نمی کند اما بر پایین معده صدق می کند.

اشکال :

اولا : صدق یا عدم صدق عنوان فوق منوط به خروج از بالای معده یا پایین آن نیست بلکه منوط بر صدق عنوان غائط است لذا از هر کجا خارج شود و عنوان غائط صدق کند ناقض وضو است

ثانیا : کلام شما نظر دارد که اگر غذا هضم نشود آنگاه از دهان بیرون بریزد ناقض وضو نیست و در واقع شما قائل به تفصیل نیستید بلکه شما مطلقا خروج غائط را ناقض می دانید چه از مخرج اصلی و چه از غیر آن باشد

قول سوم : از محقق سبزواری و محدث بحرانی (قدس سرهما)که خروج از مخرج اصلی مطلقا ناقض وضو نیست یعنی چه عادتش باشد و چه نباشد و دلیل انصرافِ روایاتِ مطلق است به آن بول و غائطی که از مخرج طبیعی بیرون می آید و شامل غیر آن نمی شود و وجه دیگر که این مطلقا چرا مقید می کند به روایاتی که تعبیر شده که غائط باید از دو مسیر اصلی خارج شود و آن روایت را مقید می کنیم که اگر از غیر مسیر اصلی بیاید ناقض نیست

اشکال هر دو وجه : عبارت طرفیک الاصلیین در مقام بیان معرفیت است و انصراف مطلقا را قبول نکردیم چون در دلیل ما روشن می شود.

نظر استاد : مطلقا خروج بول و غائط ناقض وضو است چه از مسیر اصلی و چه غیر آن باشد دلیل آیات و روایات است اما آیه ۴۳ نساء که جایی که آب پیدا نمی شود تیمم واجب است و آن چیزی که طهارت را باطل می کند خروج غائط است و مطلق آمده و نفرموده از کجا خارج شود و واگذار به عرف کرد ﴿أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغائِط﴾[[1]](#footnote-1) جاء یعنی خارج شود و اما روایات در وسائل ج ۱ از ص۱۷۵ تا ص۱۷۹ می‌باشد که خوانده شد و اکثر آنها موثقه اند

اشکالاتی بر دلالت و ظهور اطلاقی این روایات که باعث شده فقها چهار دسته شوند :

اشکال اول : ما محتاج به تقیید نیستیم و کاری به روایات مقید نداریم بلکه از راه تبادر می‌رویم چون روایات مطلقه متبادر به فرد شایع است و فرد شایع و رایج آن بول و غائطی است که از مخرج طبیعی خارج می شود اما شامل فرد نادر نمی‌شود[[2]](#footnote-2)

جواب: خروج از مسیر عادی در مقابل خروج از غیر عادی فرد شایع است و ما قبول داریم اما عدم شمول فرد غیر شایع بخاطر ندرت الوجود است نه بخاطر آنکه فرد شایع نیست لذا انصراف دو قسم است یکی ظهوری و دیگری بدوی ، انصراف بدوی حجت نیست برخلاف انصراف ظهوری و انصراف روایات مطلق از غیر مخرج اصلی انصراف بدوی است و ظهوری نیست چون ظاهر روایات این است که اگر عنوان خروج غائط و بول صدق کند ناقض وضو است و بول و غائط از غیر مخرج اصلی هم صدق غائط می کند لذا هرگز روایات از این فرد انصراف ظهوری ندارد و انصراف بدوی هم چون فرد نادری در خارج است می باشد

اشکال دوم : بیان امام علیه السلام در ادامه روایت الذین «انعم الله بهما علیک» یعنی مخرج اصلی بول و غائط نعمت الهی است این قرینه است که از همان اول، این روایات مطلق نبود چون امام علیه السلام خارج شدن بول و غائط از مسیر اصلی را نعمت می دانند و خارج شدن از غیر مسیر اصلی را خواری و نقمت می دانند لذا از اول، روایات مطلق نیست

جواب: این عبارت امام علیه السلام دو تفسیر دارد؛ اما تفسیر اول : امام علیه السلام اصل خروج را نعمت می دانند چون خداوند مخرج بول و غائط را خلق کرد و این آفرینش نعمت إلهی است و ربطی ندارد که بول و غائط اگر از غیر این راه خارج شود ناقض نیست و اگر اصل خروج نعمت باشد فرقی بین مخرج طبیعی و غیر آن نیست چون اگر خداوند مسیری برای دافعه نگذارد خیلی از انسانها از بین می روند

تفسیر دوم : این عبارت مساله خروج بول و غائط از مسیر اصلی را اهمیت می دهد که مواظب آن باشید که نعمت الهی است و هر چیزی را نخورید که گرفتار می شوید و بنابر هر دو تفسیر روایات شامل مسیر غیر اصلی هم می شود چون مخرج این عده که از غیر اصلی است طبق مطلق روایات ناقض است و اگر حرف شما را که مقید است بگیریم که از مخرج غیر طبیعی ناقض نیست تالی فاسد دارد که بگوییم وضو نمی خواهند پس ما روایات را مطلق می گیریم و اگر مقیداتی در روایات است بخاطر رد بر نظریه عامه است.

1. - نساء/43. [↑](#footnote-ref-1)
2. در جواهر ج ۱ ص ۳۹۹ [↑](#footnote-ref-2)